

انتخابات ریاست جمهوری در قانون اساسی افغانستان

جواد نقی زاده*

فهرست مطالب

۱. مقدمه
۲. شرایط کاندیدان ریاست جمهوری
۳. زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری
۴. نظام انتخاباتی ریاست جمهوری
۵. انصراف یا فوت کاندیدان ریاست جمهوری
۶. طول و تجدید دوره ریاست جمهوری
۷. اداره و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری
۸. نتیجه گیری

۱. مقدمه

رئیس جمهور، عالی ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان است. وی در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد و صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه مطابق با احکام قانون اساسی اعمال می کند. رئیس جمهور افغانستان، دارای دو

* دکتر جواد نقی زاده دوعیکلا دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون مازندران است. حیطه تحقیقاتی او بالخصوص در سال های اخیر انتخابات و نظام های انتخاباتی با نگاهی مقایسوی بوده است.

معاون، اول و دوم، است که باید نام هر دوی آنها را هم‌زمان با کاندیدا شدن خود به ملت اعلام دارد (ماده ۶۰ قانون اساسی). معاونان وی در صورت پیش آمدن موارد مصرح در قانون اساسی، کفالت ریاست‌جمهوری را عهده‌دار خواهند شد. وظایف و صلاحیت‌های ریاست‌جمهوری در قانون اساسی افغانستان به‌ویژه در ماده ۶۴ آن شمارش شده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: ۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی، ۲- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی، ۳- فرماندهی اعلا‌ی قوای مسلح، ۴- اعلان جنگ و صلح به تأیید شورای ملی، ۵- اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن، ۶- تعیین وزیران، لوی خانونوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره‌میاشت (هلال احمر) به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفا‌ی آنها، ۷- تعیین رئیس و تعیین سایر اعضای ستره‌محکمه به تأیید ولسی جرگه، ۸- تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی، ۹- توشیح قوانین و فرامین تقنینی، و ۱۰- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون. وظایف و صلاحیت‌های گسترده ریاست‌جمهوری و این نکته که رئیس‌جمهور افغانستان، همانند همتای خویش در نظام ریاستی ایالات متحده آمریکا، هم‌زمان رئیس دولت و رئیس حکومت است، مقام ریاست‌جمهوری افغانستان را در مقایسه با رئیس‌جمهور در سایر نظام‌های نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی در جایگاه ممتازی قرار داده است. رئیس‌جمهور افغانستان، مقتدرتر و مؤثرتر از رؤسای جمهور در نظام‌های جمهوری پنجم فرانسه و جمهوری اسلامی ایران است. لذا قانون‌گذار اساسی افغان با الهام از قوانین اساسی سایر کشورها، خصوصاً قوانین اساسی ایران و فرانسه، در برخی از مواد قانون اساسی به انتخاب ریاست‌جمهوری^۱ پرداخته است. شرایط کاندیدان (مبحث اول)، زمان برگزاری انتخابات (مبحث دوم)، نظام انتخاباتی (مبحث سوم)، انصراف یا فوت کاندیدان (مبحث

۱. در ادبیات حقوقی دری و فارسی، اصطلاح "انتخابات ریاست‌جمهوری" کاربرد دارد اما این موضوع در ادبیات حقوقی فرانسه رایج نیست، زیرا در آن چارچوب استفاده از آئین انتخابات به منظور انتخاب یک فرد یعنی رئیس‌جمهور است. لذا در حقوق فرانسه، اصطلاح "انتخاب ریاست‌جمهوری" مرسوم است. با علم به این نکته، در این مقاله تلاش شده است گاهی از اصطلاح "انتخاب ریاست‌جمهوری" و گاهی از اصطلاح "انتخابات ریاست‌جمهوری" استفاده شود، زیرا انتخابات به معنای مجموعه عملیاتی که به انتخاب یک یا چند فرد منجر می‌شود نیز اطلاق می‌گردد.

چهارم)، طول دوره و تجدید آن (مبحث پنجم)، و اداره و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری (مبحث ششم) با تأکید بر مفاد قانون اساسی افغانستان و با نگاهی به حقوق تطبیقی در این مقاله بررسی می شود.

۲. شرایط کاندیدان ریاست جمهوری

مطابق ماده ۶۲ قانون اساسی افغانستان، کاندیدای ریاست جمهوری باید دارای شرایط ذیل باشد: ۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد، ۲- در روز کاندیدا شدن، سن وی از چهل سال کمتر نباشد، ۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرائم ضدبشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد. هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد. ماده ۴۵ قانون انتخابات افغانستان، دو شرط ذیل را بر شرایط کاندیدان ریاست جمهوری افزوده است: تأیید یکصد هزار رأی دهنده و تأدیه مبلغ یک میلیون افغانی پول پیش شرط. بعلاوه، مطابق ماده ۱۹ قانون انتخابات، صاحبان برخی مشاغل و مقامات مجاز به کاندیدا شدن به ریاست جمهوری نیستند، مگر اینکه از سمت های خویش قبل از کاندیدا شدن استعفا دهند. شرایط کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان، با تفکیک شرایط ایجابی (بند الف) و شرایط سلبی (بند ب) بررسی می شود.

بند الف. شرایط ایجابی

شرایط ایجابی، به شرایطی گفته می شود که وجود آنها در يك شخص برای انتخاب پذیری لازم است. تابعیت افغانستان (۱)، متولد از والدین افغان (۲)، مسلمان بودن (۳)، حداقل ۴۰ سالگی در روز کاندیدا شدن (۴)، تأیید یکصد هزار رأی دهنده (۵)، و تأدیه مبلغ یک میلیون افغانی پول پیش شرط (۶) را می توان شرایط ایجابی کاندیدان در انتخاب ریاست جمهوری افغانستان دانست.

۱. تابعیت افغانستان

شرط تابعیت به عنوان یکی از شرایط کاندیدان، در مقایسه با تابعیت به عنوان یکی از شرایط

رای دهنندگان، می تواند سختگیرانه تر باشد. دولت ها معمولاً به تمام اتباع خویش، صرف نظر از چگونگی کسب تابعیت، حق رأی را اعطا می کنند اما شاید به آسانی نپذیرند که همه اتباع، بدون توجه به تابعیت اصلی یا اکتسابی آنان، دارای حق کاندیداتوری باشند. این سختگیری می تواند درباره انتخابات ریاست جمهوری بیشتر هم باشد. برخی از دولت ها، همانند فرانسه، تمام اتباع خویش را (اعم از اتباع اصلی و اکتسابی) بدون هیچ گونه محدودیت جدی در انتخاب رئیس جمهوری، انتخاب پذیر می دانند. برخلاف فرانسه، قانون گذار انتخاباتی ایران در مقام تعیین شرایط کاندیدان در انتخابات ریاست جمهوری، بسیار سختگیری کرده است. مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران، کاندیدای ریاست جمهوری باید دارای تابعیت ایرانی باشد. ماده ۹۸۲ قانون مدنی ایران، اتباع اکتسابی را از برخی حقوق مانند حق انتخاب به ریاست جمهوری محروم کرده است. قانون گذار اساسی افغانستان نیز دارا بودن تابعیت اصلی را برای کاندیدان انتخاب ریاست جمهوری شرط می داند، زیرا فرزند متولد از والدین افغان در داخل یا خارج از قلمرو سرزمینی افغانستان، مطابق فقره ۲ ماده ۹ قانون تابعیت افغانستان، تابعیت اصلی افغانستان را دارا می شود.^۲

۲. متولد از والدین افغان

مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران، کاندیدای ریاست جمهوری باید ایرانی الاصل باشد. تجربه اجرای شرط ایرانی الاصل بودن در دوره اول انتخاب ریاست جمهوری ایران، مؤید این نکته است که منظور از ایرانی الاصل بودن، ضرورت تعلق به نسب ایرانی است و در واقع قانون گذار اساسی ایران، نوعی شایستگی نژادی را برای رئیس جمهور لازم می داند که این موضوع مصون از انتقاد نیست. برای کاندیداتوری در انتخاب ریاست جمهوری افغانستان، علاوه بر تابعیت افغان، داشتن والدین افغان به عنوان یکی از شرایط کاندیدان پیش بینی شده است. قانون گذار اساسی افغان، شرط نژادی را برای کاندیدان ریاست جمهوری تعیین نکرده است، زیرا افغان بودن لزوماً به معنای دارا بودن نژاد افغان نیست، بلکه صرفاً با کسب تابعیت

۲. - نظام الدین عبدالله، حقوق بین الملل خصوصی، کابل، سعید، ۱۳۹۰، ص. ۴۸.

افغانستان تحقق می‌یابد. ماده چهارم قانون اساسی افغانستان در مقام تعریف ملت افغانستان مقرر می‌دارد: "ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرقیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود." لذا کاندیدای ریاست جمهوری افغان باید از والدین دارای تابعیت افغان (اعم از تابعیت اصلی یا اکتسابی) متولد شود، فارغ از اینکه والدین وی دارای نژاد افغان باشند یا نباشند.

۳. مسلمان بودن

مطابق ماده ۱ قانون اساسی، افغانستان دولت جمهوری اسلامی است. ماده ۲ قانون اساسی افغانستان مقرر می‌دارد: "دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند." مطابق ماده ۳ قانون اساسی "در افغانستان، هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد." صیانت از اسلامی بودن قوانین در قالب صیانت از قانون اساسی نیز برعهده ستره محکمه افغانستان است. با وجود این، قوانین اساسی و عادی افغانستان، مگر در مورد انتخاب ریاست جمهوری، در مقام تعریف شرایط کاندیدان به شرط دینی توجه نکرده‌اند. مطابق فقره ۱ ماده ۶۲ قانون اساسی افغانستان، مسلمان بودن از شرایط کاندیدان ریاست جمهوری است و ماده ۶۳ قانون اساسی، در متن سوگندنامه ریاست جمهوری، اطاعت و حمایت از دین مقدس اسلام را قرار داده است. بعلاوه، علی‌رغم اینکه اکثریت ملت افغانستان را مسلمانان دارای مذاهب حنفی و جعفری تشکیل می‌دهند، قانون‌گذار اساسی افغان اعتقاد به مذهب خاصی را برای کاندیدا شدن به ریاست جمهوری شرط نمی‌داند که این موضع قابل تحسین است. همچنین، ارزیابی شرط مسلمان بودن با توجه به اینکه برای اثبات آن صرف بیان شهادتین کافی است، به آسانی ممکن است. قانون‌گذار اساسی افغانستان، اعتقاد یا التزام عملی به اسلام را در زمره شرایط کاندیدان قرار نداده است

که این موضوع، امنیت حقوقی کاندیدان و آزادی انتخابات را بهتر تأمین می‌نماید.

۴. حداقل چهل سالگی

مطابق قانون اساسی افغانستان یکی از شرایط کاندیدان ریاست‌جمهوری، دارا بودن حداقل ۴۰ سال در روز کاندیداتوری است. قانون‌گذار اساسی افغانستان برای کاندیدای ریاست‌جمهوری، حداکثر سن را تعیین نکرده است که این امر قابل انتقاد است. باید توجه کرد که وظایف و صلاحیت‌های گسترده مقرر در قانون اساسی افغانستان برای رئیس‌جمهور، اقتضا دارند که متصدی سمت ریاست‌جمهوری علاوه بر دارا بودن تجربه کافی، دارای توانایی و حوصله لازم به منظور انجام مطلوب آنها باشد. افراد دارای سنین بسیار بالا و در وضعیت کهولت و سالخوردگی زیاد نمی‌توانند این وظایف و صلاحیت‌ها را به نحو شایسته انجام دهند. لذا مناسب است که در زمان تعدیل قانون اساسی افغانستان به تعیین حداکثر سن برای کاندیدان ریاست‌جمهوری مبادرت گردد. برای کاندیدان ریاست‌جمهوری در ایران شرط سن تعیین نشده است که این امر ناشی از غفلت قانون‌گذار اساسی و تفسیر غیرمستقیم شورای نگهبان از قانون اساسی در مقام نظارت اساسی بر مصوبات مجلس است. مطابق قانون اساسی افغانستان، معیار تکمیل شرط سن همان روز کاندیدا شدن است و حال آنکه شایسته است که روز انتخابات یا روز شروع دوره ریاست‌جمهوری مد نظر گرفته شود. در فرانسه، تکمیل شرط سن در روز انتخابات، معیار تعیین انتخاب‌پذیری کاندیدان است.

۵. تأیید رأی‌دهندگان

قانون‌گذار انتخاباتی افغانستان به منظور تضمین جدیت کاندیداتوری و مقبولیت حداقلی کاندیدان، شرط معرفی رأی‌دهندگان را تعیین کرده است. فقره ۲ ماده ۴۵ قانون انتخابات افغانستان در این مورد مقرر می‌دارد: "درخواست ثبت‌نام، حاوی مطالب ذیل می‌باشد: ۵- لیست اسامی، شماره کارت ثبت‌نام و نشان انگشت رأی‌دهنده ساکن حوزه انتخاباتی مربوطه که کاندید شدن شخص را در ورق رأی‌دهی تأیید نماید و به ترتیب ذیل می‌باشد: برای کاندید ریاست‌جمهوری، یکصد هزار رأی‌دهنده، حداقل از بیست ولایت، هر ولایت

دو فی صد". این تدبیر در برخی دیگر از دولت‌ها نیز با تفاوت‌هایی تعیین شده است. مثلاً کاندیدای ریاست جمهوری فرانسه باید تأیید حداقل پانصد منتخب، حداقل از سی ولسوالی یا واحد ماوراء بحار را ارائه کند، به گونه‌ای که از هر ولسوالی یا واحد ماوراء بحار بیش از پنجاه معرفی‌کننده نباشد^۳. لزوم معرفی فی‌صدی از ثبت‌نام‌شدگان روی فهرست‌های رأی‌دهندگان برای کاندیدان ریاست جمهوری یکی از پیشنهادها برای تعدیل قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۸ بود که مورد استقبال رئیس‌جمهور وقت فرانسه قرار نگرفت.^۴ تعیین روش‌هایی از این دست، بهتر از پیش‌بینی شرایط سخت و مبهم انتخاب‌پذیری برای کاندیدان است.

۶. تأدیه پول پیش شرط

مطابق فقره ۴ ماده ۴۵ قانون انتخابات افغانستان "کاندیدان مکلفند پول پیش شرط را به ترتیب ذیل تأدیه نمایند: ۱- کاندید ریاست جمهوری، مبلغ یک میلیون افغانی. این مبلغ در صورت برنده شدن یا کسب حداقل ده فی صد آراء قانونی اجراشده در دور اول انتخابات به کاندید اعاده می‌گردد". هدف از تعیین پول پیش شرط این است که افراد فاقد مقبولیت کافی به صورت تفریحی و تفرنی وارد مبارزات انتخابات ریاست جمهوری نشوند. مقنن انتخاباتی در نظر دارد تا حتی‌الامکان از ورود کاندیدانی که صرف جهت کسب شهرت در رقابت حاضر می‌شوند، ممانعت نماید. لذا پول پیش شرط تعیین شده است تا در صورت عدم کامیابی در انتخابات یا عدم کسب حداقل ده فی صد آراء دور اول به نفع دولت ضبط شود. به همین دلیل است که پول پیش شرط در صورت کسب ده فی صد آراء رأی‌دهندگان یا انتخاب به ریاست جمهوری به کاندیدا اعاده می‌شود. مطابق فقره ۵ ماده ۴۵ قانون انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات مکلف است پول پیش شرط کاندیدانی را که فی‌صدی آراء قانونی مندرج در فقره ۴ این ماده را به دست نیاورده‌اند، به حساب واردات دولت تحویل بانک نماید.

۳. مجید بزرگمهری، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، صص. ۱۸۶-۱۸۷؛ و عبدالوحید نیاز، حقوق اساسی مقایسه‌ای، کابل، یوسفزاد، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص. ۲۶۵.

۴. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه"، مجله تحقیقات حقوقی پوهنتون شهید بهشتی، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص. ۴۳۸-۴۴۰.

بند ب. شرایط سلبی

شرایط سلبی، شرایطی است که وجود آنها در یک شخص منجر به محرومیت وی از انتخاب‌پذیری می‌شود. نداشتن تابعیت کشور دیگری (۱)، عدم محکومیت از طرف محکمه به ارتکاب جرائم ضدبشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی (۲)، عدم انتخاب دو دوره به حیث رئیس جمهور (۳)، و قرار نداشتن در وضعیت انتخاب‌ناپذیری نسبی (۴)، شرایط سلبی کاندیدان در انتخاب ریاست جمهوری افغانستان هستند.

۱. نداشتن تابعیت کشور دیگری

به منظور کاندیداتوری در انتخاب ریاست جمهوری افغانستان، علاوه بر دارا بودن تابعیت افغان و داشتن والدین افغان، نداشتن تابعیت سایر کشورها نیز شرط است. قانون‌گذار اساسی افغانستان، دارا بودن تابعیت دوگانه یا چندگانه را برای اتباع افغانستان می‌پذیرد، اما در مورد ریاست جمهوری، به دلیل حساسیت جایگاه رئیس جمهور و ضرورت دارا بودن تعلق عاطفی، حقوقی و سیاسی صرف به افغانستان، نداشتن تابعیت سایر کشورها شرط شده است. مؤید این مطلب، حکم ماده ۷۲ قانون اساسی است که مطابق آن انتخاب اتباع افغان دارای تابعیت سایر کشورها برای تصدی سمت وزارت در افغانستان با تأیید ولسی جرگه ممکن است. بعلاوه، ستره محکمه افغانستان تاکنون دو بار در مقام نظارت اساسی بر قوانین مصوب شورای ملی^۵، به حق اتباع افغان بر دارا شدن بیش از یک تابعیت تأکید کرده است. به این ترتیب، تنها کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان صرفاً باید دارای تابعیت افغانستان باشند.

۲. عدم محکومیت به ارتکاب جرائم ضدبشری، جنایت یا حرمان از حقوق مدنی

عدم محکومیت به ارتکاب جرائم ضدبشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی از جمله شرایط سلبی کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان است. جرائم ضدبشری در قانون جزای

۵. یک بار در مقام نظارت اساسی بر قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی و یک بار در مقام نظارت اساسی بر قانون کارکنان دیپلوماتیک و قونسل‌ی.

افغانستان، تعریف و مشخص نگردیده^۶ و اساسنامه^۷ محکمه جزائی بین المللی نیز تا کنون در شورای ملی افغانستان تصویب نشده است. ماده ۷ اساسنامه^۸ محکمه جزائی بین المللی، در حال حاضر جامع ترین متن به منظور تعیین مصادیق جرائم ضدبشری مطابق قواعد حقوق بین الملل است که می تواند در حقوق افغانستان نیز مورد توجه قرار گیرد. ماده ۲۳ قانون جزای افغانستان، مانند قوانین جزائی بسیاری از کشورها، جرائم را از حیث شدت و خفت به سه دسته جنایت، جنحه و قباح^۹ تقسیم نموده و برای هر دسته از جرائم، مجازات متناسب آن را تعیین کرده است. مطابق ماده ۲۴ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵: "جنایت، جرمی است که مرتکب آن به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد". ماده ۱ قانون جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مصوب ۱۳۶۶، جزای جرم خیانت ملی یا خیانت به وطن را اعدام یا حبس دوام و مصادره دارایی می داند. لذا محکومیت به خیانت ملی نیز از مصادیق محکومیت به جنایت است که به محرومیت از حق انتخاب شدن به ریاست جمهوری منجر می شود. بدیهی است تا زمانی که جرائم مذکور در یک محکمه صالح اثبات نشده باشد، به محکومیت کاندیدان منتهی نخواهد شد. حرمان از حقوق مدنی نیز باید به استناد حکم محکمه ای ذی صلاح باشد تا به محرومیت از انتخاب پذیری منجر شود، زیرا اصل بر اهلیت و عدم محجوریت افراد است.

۳. عدم انتخاب دو دوره به حیث رئیس جمهور

درباره بازانتخاب پذیری (Ré é ligibilité) رئیس جمهور، بین صاحب نظران اتفاق نظر نیست. عده ای انتخاب مجدد رئیس جمهور را بلامانع می دانند و در موردی که رئیس جمهور به نیکی از عهده وظایف قانونی برآمده است، حتی آن را پاداش حسن خدمت و وجهه سیاسی و اجتماعی و مآلاً تشویق صلاحیت ها و شایستگی های او می پندارند. لکن عده ای دیگر، انتخاب مجدد و مکرر یک فرد به ریاست جمهوری را زمینه ساز تداوم و تمرکز قدرت تلقی می کنند و سرانجام آن را ناسودمند می دانند، زیرا جلوی بخت آزمایی سایر نامزدها را

۶- محمد اشرف رسولی، تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان، جلد دوم، کابل، سعید، ۱۳۸۹، ص. ۸۸.

می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد که دیگران و افراد شایسته‌تر در یک رقابت کم و بیش سالم و برابر با رئیس‌جمهوری در رأس قدرت دست و پنجه نرم کنند و با پیروزی خویش، خون جدیدی در شراین جمهوری روان سازند.^۷ برداشت اخیر عملاً مورد استقبال بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است. با توجه به اینکه رئیس‌جمهور افغانستان دارای نقشی فعال در حیات سیاسی است، به نظر می‌رسد که ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره به سمت ریاست‌جمهوری تدبیر مناسبی است که قانون‌گذار اساسی به منظور جلوگیری از استبداد و تداوم و تمرکز قدرت در یک فرد اتخاذ کرده است. لذا کاندیدای ریاست‌جمهوری نباید دو دوره، اعم از متوالی یا غیرمتوالی، به حیث رئیس‌جمهور افغانستان انتخاب شده باشد.

۴. قرار نداشتن در وضعیت انتخاب‌ناپذیری نسبی

انتخاب‌ناپذیری نسبی، از مقام‌ها و مشاغل افراد نشئت می‌گیرد و انتخاب‌ناپذیران نسبی، به شرط استعفاء از شغل یا مقام خود، می‌توانند کاندیدا شوند. انتخاب‌ناپذیری نسبی، با ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل متفاوت است و از اهداف متفاوتی از آن تبعیت می‌کند. فقره ۱ ماده ۱۹ قانون انتخابات افغانستان، در مقام تعیین انتخاب‌ناپذیران نسبی در انتخابات مقرر می‌دارد:

"اشخاص آتی نمی‌توانند قبل از استعفا از وظایفشان، خود را به کرسی‌های انتخابی مندرج این قانون کاندید نمایند:

۱. رئیس و اعضای ستره محکمه و سایر قضات.
۲. لوی خارنوال، خارنوال‌ها و اعضای مسلکی خارنوالی.
۳. وزرا، وزرای مشاور، مشاورین ریاست‌جمهوری، معینان، رؤسای عمومی ریاست‌های مستقل، رؤسا و اعضای کمیسیون‌های مستقل، والی‌ها و معاونین آنها، ولسوالان، سفرا و کارکنان نمایندگی‌های سیاسی کشور مقیم خارج.

۴. منسوبین نظامی وزارت های دفاع ملی و امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی و سایر وزارت ها و ادارات دارای تشکیلات نظامی.
۵. کارکنان خدمات ملکی.
۶. کارکنان موقت یا دائمی کمیسیون.
۷. استادان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و اعضای کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان."

مطابق فقره ۳ ماده ۱۹ قانون انتخابات، "هرگاه یکی از اعضای کرسی های انتخابی بشمول اعضای انتصابی مشرانو جرگه بخواهد به کرسی دیگر انتخابی خود را کاندید نماید، مکلف است از عضویت خویش از کرسی موجود استعفاء دهد. اعضای شورای ولایتی و شورای ولسوالی که به عضویت مشرانو جرگه و یا اعضای مشرانو جرگه خود را به شورای ولایتی و یا شورای ولسوالی کاندید می نمایند، از این حکم مستثنی می باشند". بعلاوه، فقره ۴ ماده ۱۹ قانون انتخابات افغانستان، مقرر می دارد: "هیچ شخص نمی تواند در عین زمان در بیش از یک کرسی انتخابی خود را کاندید نماید".

قانون گذار انتخاباتی افغانستان در مقام شمارش موارد انتخاب ناپذیری نسبی بین موارد انتخاب ناپذیری نسبی در انتخابات ملی و محلی، تفاوت قائل نشده است. قانون گذار انتخاباتی می تواند جهت پیش بینی انتخاب ناپذیری در انتخابات مختلف با توجه به ماهیت مأموریت منتخبان و جایگاه مقامات و صاحبان مشاغل دولتی و عمومی، تفاوت قائل شود. بعلاوه، شمار انتخاب ناپذیران نسبی در افغانستان بسیار زیاد است. قانون گذار انتخاباتی افغانستان می تواند به جای پیش بینی موارد گسترده انتخاب ناپذیری نسبی، ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل را تعیین نماید. به نظر می رسد که این سخت گیری، ناشی از عدم تمایز دقیق بین انتخاب ناپذیری نسبی و مسئله ممنوعیت جمع مشاغل توسط قانون گذار انتخاباتی افغانستان است.

۳. زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری

مواد ۶۱ و ۶۷ قانون اساسی افغانستان، قواعدی در مورد زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در بر می گیرد که به زمان عادی (بند الف) و زمان کفالت (بند ب) قابل تقسیم است.

بند الف. زمان عادی

مطابق بندهای سوم و چهارم ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، "انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می گردد. هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد". تعیین حداقل و حداکثر قلمرو زمانی برگزاری انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی، تدبیری رایج در بسیاری از قوانین اساسی است. هدف این است که از یک سو، از خالی شدن سمت ریاست جمهوری در صورت پایان دوره رئیس جمهوری ممانعت شود و از دیگر سو، از انتخاب بسیار زودهنگام رئیس جمهور بعدی جلوگیری گردد تا رئیس جمهور در حال فعالیت، احساس تزلزل نکند. مطابق اصل ۱۱۹ قانون اساسی ایران، "انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد". قانونگذار اساسی ایران، حداکثر قلمرو زمانی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را تعیین نکرده است که این امر قابل انتقاد است. مطابق ماده ۷ قانون اساسی فرانسه، انتخاب رئیس جمهور جدید باید ظرف مدت بیست تا سی و پنج روز پیش از پایان دوره ریاست جمهوری کنونی صورت گیرد و شورای قانون اساسی می تواند انجام رأی گیری را در صورت لزوم، حداکثر تا سی و پنج روز از تاریخ اخذ تصمیم خویش به تعویق اندازد. تعویق انتخاب ریاست جمهوری فرانسه در حالت قوه قاهره نیز به تشخیص شورای قانون اساسی ممکن است.

ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان مقرر می دارد: "وظیفه رئیس جمهور در اول جوای سال

پنجم بعد از انتخابات پایان می‌یابد.^۸ زمان برگزاری انتخاب رئیس‌جمهور جدید، یعنی قلمرو زمانی سی‌الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس‌جمهور، باید بر اساس این تاریخ و قاعده مندرج در قانون اساسی تنظیم شود. قلمرو زمانی سی‌الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس‌جمهور در حالت فعالیت، برای برگزاری انتخاب رئیس‌جمهور جدید افغانستان، منطقی به نظر می‌آید. با وجود این، تجربه برگزاری دو دوره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳، از عدم رعایت این توقع قانون اساسی حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که با چالشی شدن نتایج انتخابات عملاً برگزاری انتخابات دور دوم یا اعلام نتایج نهایی آن با پایان دوره رئیس‌جمهور و عدم انتخاب رئیس‌جمهور جدید مصادف شده است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، زمان برگزاری دور دوم انتخاب ریاست جمهوری است. مطابق ماده ۷ قانون اساسی فرانسه، رأی‌گیری برای دور دوم انتخاب ریاست جمهوری، پانزده روز پس از روز برگزاری دور اول انتخابات انجام می‌شود. اصل ۱۱۷ قانون اساسی ایران، روز جمعه پس از دور اول رأی‌گیری را روز رأی‌گیری دور دوم انتخاب ریاست جمهوری می‌داند. تعیین روز جمعه پس از دور اول، برای برگزاری دور دوم انتخابات مناسب نیست، زیرا فرصت کافی را در اختیار کاندیدان مرحله دوم برای مبارزات انتخاباتی، رأی‌دهندگان برای انتخاب با آگاهی بیشتر، و شورای نگهبان برای بررسی دقیق سلامت انتخابات قرار نمی‌دهد. شمارش دقیق آراء دور اول انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند چندین روز طول بکشد و شورای نگهبان باید نتیجه دور اول رأی‌گیری را تأیید کند تا بتوان دور دوم انتخابات را برگزار کرد.^۹ نکته اخیر برای تعیین روز برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان هم در نظر گرفته شده است. مطابق بند چهارم ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، "انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می‌گردد". به عبارت دیگر، قانون‌گذار اساسی افغانستان، برخلاف قانون‌گذاران اساسی ایران و فرانسه، تاریخ برگزاری دور دوم انتخاب ریاست جمهوری را با تاریخ برگزاری دور اول آن تنظیم نکرده است، بلکه ظرف

۸. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، مدرس علوم انسانی پوهنتون تربیت مدرس، دوره دوازدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۸)، پاییز ۱۳۸۷، صص. ۵۰-۵۱.

دو هفته از تاریخ اعلام نتایج دور اول انتخابات باید دور دوم انتخابات برگزار شود. با وجود این، واقعیت‌های تکنیکی و امنیتی جامعه افغانستان، مانع برگزاری دور دوم انتخابات ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج دور اول در سال ۱۳۹۳ شده است.

بند ب. زمان کفالت

به موجب ماده ۶۰ قانون اساسی افغانستان، در حالات غیاب، استعفا یا وفات رئیس‌جمهور مطابق به احکام مندرج در قانون اساسی، تصدی وظایف رئیس‌جمهوری به ترتیب برعهده معاون اول و دوم رئیس‌جمهور است. بر اساس ماده ۶۷ قانون اساسی، در صوت پیش آمدن حالات وفات، استعفاء، عزل یا مریضی صعب‌العلاج (به تشخیص هیئت طبی با صلاحیت که از طرف ستره‌محکمه تعیین می‌گردد)، که مانع اجرای وظیفه رئیس‌جمهور می‌شود، معاون اول وی کفالت ریاست‌جمهوری را عهده‌دار است که در این حالات در خلال مدت سه ماه، به منظور تعیین رئیس‌جمهور جدید انتخابات برگزار می‌گردد. بعلاوه، مطابق ماده ۶۹ قانون اساسی افغانستان، در صورت انفصال رئیس‌جمهور به تصویب دو ثلث کل اعضای لویه‌جرگه، احکام مندرج ماده ۶۷ قانون اساسی تطبیق می‌گردد. به عبارت دیگر، انفصال رئیس‌جمهور نیز یکی از اسباب تحقق کفالت ریاست‌جمهوری در افغانستان است.

کفالت، به معنای تصدی وظایف و صلاحیت‌های یک سمت در زمان خالی شدن یا بلا تصدی شدن موقت یا قطعی آن است. به فرد یا هیئتی که کفالت را عهده‌دار می‌شود، کفیل می‌گویند. کفالت متفاوت از تفویض اختیار است، زیرا تفویض اختیار به معنای اعطای صلاحیت در دوره‌ای است که متصدی اصلی سمت باقی می‌ماند و هم‌زمان دارای صلاحیت است. به عبارت دیگر، تفویض اختیار یا اعطای صلاحیت در صورت خالی شدن و بلا تصدی شدن سمت نیست، بلکه در صورتی است که متصدی اصلی سمت در حال تصدی وظایف، برخی از وظایف خویش را به دیگری نیز واگذار کند. در حالت غیاب رئیس‌جمهور افغانستان که مطابق ذیل ماده ۶۷ قانون اساسی، وظایف معاون اول توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد، اقدام رئیس‌جمهور از مصادیق تفویض اختیار یا اعطای صلاحیت است که در ادبیات سیاسی

افغانستان به آن سرپرستی موقت ریاست جمهوری می‌گویند. به این ترتیب، در حالت غیاب رئیس‌جمهور افغانستان، کفالت تحقق نمی‌یابد و لذا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در خلال سه ماه و جاهت نخواهد داشت. انفصال رئیس‌جمهور افغانستان از عوامل تحقق کفالت است، زیرا مطابق ماده ۶۹ قانون اساسی در حالت انفصال، احکام مندرج ماده ۶۷ قانون اساسی یعنی احکام دوره کفالت ریاست جمهوری تطبیق می‌شود. مطابق ماده ۶۷ قانون اساسی، در حالاتی که استعفاء، عزل یا وفات، و یا مریضی صعب‌العلاج رئیس‌جمهور، مانع اجرای وظیفه او شود، باید در خلال سه ماه به منظور تعیین رئیس‌جمهور جدید انتخابات برگزار شود. پرسش این است که آیا در صورت انفصال رئیس‌جمهور به تصویب لویه جرگه نیز باید به برگزاری انتخابات اقدام گردد؟ در این مورد، دو تفسیر ذیل از قانون اساسی قابل ارائه است:

الف. منظور از انفصال با تصویب لویه جرگه، انفصال دائم و قطعی است که در این صورت امکان برگشت به سمت ریاست جمهوری، حتی در صورت برائت رئیس‌جمهور در محکمه خاص فراهم نیست. لذا همانند حالات وفات، عزل یا مریضی صعب‌العلاج، در حالت انفصال نیز باید در خلال سه ماه انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود.

ب. منظور از انفصال با تصویب لویه جرگه، انفصال موقت و مقطعی است که در این صورت، امکان برگشت به سمت ریاست جمهوری در صورت برائت رئیس‌جمهور در محکمه خاص فراهم است.^۹ لذا برخلاف برداشت دکتر مشتاقی^{۱۰}، به نظر می‌رسد در حالت انفصال رئیس‌جمهور توسط لویه جرگه، انتخابات رئیس‌جمهوری برگزار نمی‌شود؛ مگر تا زمانی که تکلیف موارد اتهام در محکمه خاص مشخص شود. با این تفسیر، صرفاً در صورت محکومیت رئیس‌جمهور توسط محکمه خاص، انفصال دائم و در واقع عزل رئیس‌جمهور تحقق می‌یابد که باید در این حالت، در کنار حالات وفات و بیماری صعب‌العلاج، به انتخاب رئیس‌جمهور

۹. سرور دانش، حقوق اساسی افغانستان، کابل، پوهنتون ابن سینا، ۱۳۸۹، صص. ۴۰۴-۴۰۵.

۱۰. رامین مشتاقی، رهنمود انستیتوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین‌الملل ماکس پلانک پیرامون حقوق اساسی افغانستان، ترجمه حسین غلامی، کابل و هایدلبرگ، انستیتوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین‌الملل ماکس پلانک، ۲۰۱۱، ص. ۲۱۵.

جدید در خلال سه ماه مبادرت گردد.

برداشت اخیر با این نکته که رئیس جمهور افغانستان دارای مسئولیت سیاسی نیست، بلکه صرف مسئولیت جزائی وی در برابر ملت و ولسی جرگه در قانون اساسی پذیرفته شده است، مطابقت بیشتری دارد، زیرا حکم برائت محکمه خاص در واقع به معنای عدم محکومیت رئیس جمهور به ارتکاب خیانت ملی، جنایت یا جرائم ضدبشری و رفع اتهام جزائی از رئیس جمهور است. بعلاوه، حکم ماده ۶۷ قانون اساسی افغانستان مبنی بر اینکه در این حالات یعنی حالات استعفاء، عزل، وفات یا مریضی صعب العلاج رئیس جمهور، باید به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مبادرت گردد، به گونه ای است که افاده حصر می کند. به عبارت دیگر، مطابق ماده ۶۹ قانون اساسی افغانستان، در حالت انفصال، احکام مندرج ماده ۶۷ قانون اساسی تطبیق می گردد اما به این نکته باید توجه شود که صرفاً می توان احکام قابل تطبیق ماده ۶۷ قانون اساسی، یعنی مواردی مانند تعیین کفیل یا محدودیت های کفیل ریاست جمهوری را اجرا کرد. به این ترتیب، در صورت تصویب لویه جرگه، به این دلیل که انفصال موقت به معنای عزل رئیس جمهور نیست، نباید به برگزاری انتخابات در خلال سه ماه مبادرت کرد اما در صورت محکومیت رئیس جمهور توسط محکمه خاص، به این دلیل که انفصال دائم به معنای عزل رئیس جمهور است، باید در خلال سه ماه انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود.

۴. نظام انتخاباتی ریاست جمهوری

مطابق ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، "رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد. ... هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور، تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده اند، شرکت می نمایند. در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته

می‌شود". با تأکید بر مفاد ماده ۶۱ قانون اساسی، مباحثی مانند انتخاب مستقیم و عمومی رئیس‌جمهور (بند الف) و نظام اکثریت دومرحله‌ای (بند ب)، قابل ارائه است.

بند الف. انتخاب مستقیم و عمومی

رئیس‌جمهور، منتخب مستقیم مردم افغانستان در یک رأی‌گیری آزاد، سری و عمومی است. انتخاب مستقیم و عمومی رئیس‌جمهور به متصدی این مقام، حقانیت و مقبولیت بالایی اعطا می‌کند تا بتواند با حمایت افکار عمومی سیاست‌ها و برنامه‌های خویش را تطبیق کند. نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی افغانستان، در روش انتخاب رئیس‌جمهور از منطق نظام‌های ریاستی تبعیت کرده است، زیرا رئیس‌جمهور را مستقیماً به آراء عمومی متصل می‌نماید. استقرار رئیس‌جمهور در سمت ریاست‌جمهوری افغانستان، با انتخابات پارلمانی (شورای ملی) و اراده اکثریت ناشی از آن ارتباطی ندارد.

بند ب. نظام اکثریت دومرحله‌ای

انتخاب ریاست‌جمهوری افغانستان، بر اساس نظام انتخابات اکثریت دومرحله‌ای است. نظام اکثریت دومرحله‌ای، نظامی فرانسوی است و "بیشترین وابستگی را با تاریخ سیاسی فرانسه دارد".^{۱۱} در چارچوب نظام اکثریت دومرحله‌ای، روش انتخاب رئیس‌جمهور در دور اول (۱)، روش انتخاب رئیس‌جمهور در دور دوم (۲)، و حالت برابری آراء کاندیدان (۳) قابل بررسی هستند.

۱. روش انتخاب در دور اول

برای انتخاب به ریاست‌جمهوری افغانستان، همانند رؤسای جمهوری فرانسه و ایران در دور اول انتخابات، کسب اکثریت مطلق آراء لازم است. نظام انتخاباتی اکثریت مطلق، اصولاً در مواردی پیش‌بینی می‌گردد که انتخابات می‌تواند چندمرحله‌ای باشد. برخلاف نظر برخی از حقوقدانان^{۱۲}، اکثریت مطلق آراء لزوماً نصف جمع يك آراء نیست، بلکه بیش از نصف

11. Jean-Claude Zarka, Les systèmes électoraux, Paris, Ellipses, 1996, p. 4.

۱۲. محمد اشرف رسولی، همان، ص. ۷۵؛ و محمد طاهر هاشمی، حقوق اساسی و مؤسسات سیاسی، کابل، میوند، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۶.

آراء است.^{۱۳} محاسبه اکثریت مطلق آراء در انتخاب ریاست جمهوری فرانسه، بر اساس آراء ابرازشده است و شمار آراء ابرازشده به ندرت با شمار رأی‌دهندگان برابری می‌کند.^{۱۴} رأی‌دهندگان به ثبت‌نام‌شدگان روی فهرست‌های انتخاب‌کنندگان که حق رأی خویش را اعمال کرده‌اند، اطلاق می‌گردد. مجموع آراء مأخوذه از ثبت‌نام‌شدگان را روی فهرست‌های انتخاباتی بدون لحاظ آراء سفید و باطل، آراء ابرازشده می‌گویند.^{۱۵} مطابق صدر اصل ۱۱۷ قانون اساسی ایران، برای انتخاب به ریاست جمهوری کسب اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان لازم است. صدر ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، حکم دیگری را برای دور اول انتخاب ریاست جمهوری تعیین کرده است. مطابق ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، رئیس‌جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی‌صد آراء رأی‌دهندگان انتخاب می‌شود. هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند بیش از پنجاه فی‌صد آراء را به دست بیاورد، انتخابات برای دور دوم برگزار می‌شود.

۲. روش انتخاب در دور دوم

در مورد روش انتخاب رئیس‌جمهور در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، قانون‌گذاران اساسی فرانسه، ایران و افغانستان مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. مطابق اطلاق صدر ماده ۷ قانون اساسی فرانسه مبنی بر لزوم کسب اکثریت مطلق آراء ابرازشده برای انتخاب به ریاست جمهوری، باید همچنین به لزوم کسب اکثریت مطلق توسط یکی از دو داوطلب حاضر در دور دوم برای اعلام انتخاب وی به ریاست جمهوری نظر داد.^{۱۶} با توجه به قواعد انتخاباتی فرانسه، خصوصاً عدم لحاظ آراء سفید در جمع آراء ابرازشده، مگر در صورت برابری آراء کاندیدان، یکی از داوطلبان دور دوم یقیناً اکثریت مطلق آراء را کسب می‌کند. کسب اکثریت مطلق آراء توسط یکی از دو کاندیدان دور دوم انتخاب ریاست جمهوری ایران

۱۳. علی احمدی، انتخابات در ایران، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰؛ و جواد حسین‌زاده، "مفهوم اکثریت مطلق"، مدرس علوم انسانی پوهنتون تربیت مدرس، دوره هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۳۱)، زمستان ۱۳۸۲، ص. ۲۷.

14. Jean-Claude Masclet, Droit électoral, Paris, puf, 1989, p. 292.

15. Jean-Claude Masclet, Le droit des élections politiques, Paris, puf, 1992, p. 93.

۱۶. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه"، همان، صص. ۴۴۲ - ۴۴۳.

و افغانستان که قانون‌گذاران اساسی آنها از ادبیات حقوقی متفاوت از حقوق فرانسه استفاده کرده‌اند، بسیار محتمل است اما این نتیجه لزوماً تحقق نمی‌یابد.

مطابق اصل ۱۱۷ قانون اساسی ایران، "رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود". از اطلاق بیان صدر اصل ۱۱۷ قانون اساسی می‌توان نتیجه گرفت که در دور دوم رأی‌گیری نیز رئیس جمهور به شرطی انتخاب می‌گردد که بیش از نصف آراء شرکت‌کنندگان را به دست آورد.^{۱۷} اما قانون‌گذار اساسی ایران مشخص نمی‌کند که در صورت عدم کسب اکثریت مطلق توسط یکی از دو کاندیدای حاضر در دور دوم تکلیف چیست، زیرا ممکن است آراء دو کاندیدا نزدیک به هم باشند و آراء سفید باعث گردند که اکثریت مطلق توسط هیچ یک از کاندیدان به دست نیاید. لذا لزوم کسب اکثریت مطلق برای انتخاب رئیس جمهور در مرحله دوم انتخاب ریاست جمهوری ایران می‌تواند مورد تردید قرار گیرد، خصوصاً اینکه قانون اساسی درباره روش انتخاب رئیس جمهور در دور دوم بیان مستقلى ندارد. این تردید، با پیش‌بینی برگزاری مرحله دوم رأی‌گیری و عدم پیش‌بینی مراحل احتمالی بعدی یا تجدید انتخابات تقویت می‌گردد.^{۱۸} مطابق نظریه تفسیری شورای نگهبان از قانون اساسی، در مرحله دوم انتخاب ریاست جمهوری، کسب اکثریت نسبی برای انتخاب به ریاست جمهوری کافی است.^{۱۹}

مطابق ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء رأی‌دهندگان انتخاب می‌شود. هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود. داوطلبی که در دور دوم اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می‌شود. لذا برخلاف قانون

۱۷. حسن حسنی، مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آنها، تهران، پوهنتون تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص. ۲۴.

۱۸. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، همان، صص. ۴۸ - ۴۹.

۱۹. مجموعه اساسی، تهران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۹۱، صص. ۱۴۹ - ۱۵۰.

اساسی فرانسه که در این مورد دارای صراحت کافی است و کسب اکثریت آراء ابرازشده را ملاک انتخاب به ریاست جمهوری در دوره‌های اول یا دوم انتخابات می‌داند، به نظر می‌رسد که قانون اساسی افغانستان، همانند قانون اساسی ایران، در این مورد فاقد صراحت لازم و با تردیدهایی مواجه است. صدر ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان، اندیشه لزوم کسب اکثریت مطلق آراء رأی‌دهندگان در دور دوم انتخابات را تقویت می‌کند اما در ادامه قانون‌گذار اساسی افغانستان به لزوم کسب اکثریت آراء در دور دوم بدون تعیین اکثریت مطلق یا نسبی حکم می‌نماید. برخی از حقوق‌دانان افغان^{۲۰} معتقدند که در دور دوم انتخاب ریاست جمهوری، کسب اکثریت نسبی آراء کفایت می‌کند. مراجعه به قوانین و مقررات انتخاباتی افغانستان در این ساحه می‌تواند راهگشا باشد.

قانون انتخابات افغانستان دربارهٔ دسته‌بندی اوراق رأی‌دهی بیانی ندارد اما لایحهٔ شمارش آراء مصوب کمیسیون مستقل انتخابات در تاریخ ۲۰۱۳/۱۲/۱۰، به تجویز ماده ۷۹ قانون انتخابات در این مورد احکامی را تعیین نموده است. مطابق فقره ۲ ماده ۶ لایحهٔ شمارش آراء، اوراق رأی‌دهی را می‌توان در سه دسته ذیل جای داد: اوراق رأی‌دهی معتبر، اوراق رأی‌دهی غیرمعتبر و اوراق رأی‌دهی سفید. لایحهٔ مذکور در مقام تعریف اوراق رأی‌دهی معتبر مقرر می‌نماید: "اوراقی که با نظر داشت طرز العمل‌های کمیسیون استفاده شده و هدف رأی‌دهنده در آن کاملاً مشخص باشد". مطابق لایحهٔ شمارش آراء، اوراقی که بدون هیچ نشانی در داخل صندوق رأی‌دهی انداخته شده باشد، اوراق رأی‌دهی سفید به حساب می‌آیند. مصادیق اوراق رأی‌دهی غیرمعتبر نیز در لایحهٔ مذکور تعیین شده‌اند، که یکی از آنها عبارت است از "ورق رأی‌دهی که در آن قصد رأی‌دهنده مشخص نباشد". مقام تصویب‌کنندهٔ لایحهٔ شمارش آراء، از یک سو، اوراق رأی‌دهی سفید را در مقابل اوراق رأی‌دهی معتبر و اوراق رأی‌دهی غیرمعتبر قرار داده است و از دیگر سو، در مقام تعیین مصادیق اوراق رأی‌دهی غیرمعتبر، ورق رأی‌دهی را که در آن قصد رأی‌دهنده مشخص نباشد، لحاظ کرده است. بدیهی است که یکی از مصادیق ورق رأی‌دهی که در آن قصد رأی‌دهنده مشخص نیست، ورق رأی‌دهی سفید

است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در حقوق انتخابات افغانستان همانند حقوق انتخابات فرانسه، صرف اوراق رأی‌دهی که به نفع یکی از کاندیدان ابراز شده‌اند، معتبر است و سایر اوراق، اعم از غیر معتبر یا سفید در شمارش آراء لحاظ نمی‌گردند. حکم مستخرج از لایحه شمارش آراء می‌تواند به کسب اکثریت آراء توسط یکی از دو کاندیدان، مگر در صورت برابری آراء آنان، منجر شود اما با صدر ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان مبنی بر لزوم کسب اکثریت مطلق آراء رأی‌دهندگان مطابقت ندارد.

۳. حالت برابری آراء کاندیدان

به دلیل شمار بالای رأی‌دهندگان در انتخاب ریاست جمهوری، امکان کسب آراء برابر توسط دو کاندیدا در دورهای اول یا دوم انتخابات ریاست جمهوری بسیار بعید است. لذا قوانین اساسی افغانستان، ایران و فرانسه در این مورد حکمی مقرر ننموده‌اند اما وقوع آن می‌تواند به چالشی جدی در حیات سیاسی منجر شود. در صورت کسب آراء برابر توسط دو داوطلب در دور دوم رأی‌گیری، قاعدتاً باید به تجدید انتخابات حکم کرد، زیرا از یک سو، هیچ یک از کاندیدان، اکثریت آراء را کسب نکرده است تا بتوان وی را به عنوان رئیس جمهور معرفی کرد و از دیگر سو، در قوانین اساسی فرانسه، ایران و افغانستان، فقط امکان برگزاری مرحله دوم انتخابات پیش‌بینی شده است. مطابق فقره ۴ ماده ۲۰ قانون انتخابات افغانستان، در صورت تساوی آراء میان کاندیدان در دور دوم، کاندیدای برنده بر اساس عالی‌ترین معیارهای مندرج در فقره ۳ این ماده یعنی به ترتیب، ۱. درجه تحصیل، ۲. درجه علمی، ۳. تجربه کاری در ادارات دولتی و غیردولتی، و ۴. داشتن نشان، مدال و لقب افتخاری، به حیث رئیس جمهور تعیین می‌گردد. این حکم با صراحت ماده ۶۱ قانون اساسی مبنی بر لزوم کسب اکثریت آراء برای انتخاب به ریاست جمهوری در دور دوم مغایرت دارد.

اگر دو داوطلب با کسب آراء برابر در دور اول به صورت مشترک در رده اول قرار گیرند، هر دو به دور دوم راه می‌یابند تا یکی از آنها به ریاست جمهوری انتخاب شود. اما حکم قانون‌گذاران اساسی فرانسه، ایران و افغانستان درباره حالت قرار گرفتن دو داوطلب به صورت

مشترک در رده دوم در اثر کسب آراء برابر در دور اول مشخص نیست. حضور هر دو نفر دوم به همراه نفر اول در مرحله دوم انتخابات یعنی برگزاری مرحله دوم رأی گیری با سه داوطلب ممکن نیست، زیرا قانون گذاران اساسی فقط شرکت دو نفر از کاندیدان را در دور دوم رأی گیری می پذیرند. به عبارت دیگر، فقط یکی از دو نفر دوم می تواند در دور دوم رقابت شرکت کند. قوانین عادی فرانسه و ایران نیز در این مورد حکم صریحی تعیین نکرده اند اما فقره ۳ ماده ۲۰ قانون انتخابات افغانستان مقرر می دارد: "در صورت تساوی آراء میان بیش از دو کاندیدی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده اند، دو نفر کاندیدانی که عالی ترین معیارها را دارا باشند، به حیث کاندیدان دور دوم تعیین می گردند. عالی ترین معیارها به ترتیب عبارتند از: ۱- درجه تحصیل، ۲. درجه علمی، ۳. تجربه کاری در ادارات دولتی و غیردولتی، ۴. داشتن نشان، مدال و لقب افتخاری".

۵. انصراف یا فوت کاندیدان ریاست جمهوری

مسئله انصراف کاندیدان ریاست جمهوری (بند الف) و حالت فوت آنها (بند ب) به ترتیب بررسی می شوند.

بند الف. مسئله انصراف کاندیدان

انصراف کاندیدان حاضر پیش از دور اول انتخابات معمولاً مشکل جدی را در حیات سیاسی ایجاد نمی کند اما تأثیر انصراف کاندیدان حاضر در دور دوم انتخابات بر حیات سیاسی می تواند متفاوت باشد. مطابق ماده ۷ قانون اساسی فرانسه، در صورت کناره گیری یک یا هر دو داوطلب حائز اکثریت آراء دور اول، باقیمانده کاندیدان دور اول برای شرکت در دور دوم انتخابات جایگزین آنان می شوند. مطابق اصل ۱۱۷ قانون اساسی ایران، "در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته اند، برای انتخاب مجدد معرفی می شوند". لذا انصراف کاندیدان ریاست جمهوری فرانسه و ایران بین دور اول و دور دوم انتخابات ممکن است و

خللی به جریان عادی انتخابات وارد نمی‌کند.

مطابق فقره ۱ ماده ۴۷ قانون انتخابات افغانستان، هرگاه داوطلبی از کاندیداتوری خود منصرف شود، مکلف است قبل از تاریخ معینه در تقویم انتخاباتی، موضوع را کتباً به کمیسیون مستقل انتخابات اطلاع دهد. فقره‌های ۲ و ۳ ماده مذکور مقرر می‌دارد: هرگاه کاندیدا بعد از تاریخ معینه در تقویم انتخاباتی، از کاندیداتوری خود انصراف نماید، حین شمارش آراء، آراء مربوط به وی محاسبه نمی‌شود. صرفاً پول پیش‌شرط کاندیدایی که طبق تقویم انتخاباتی انصراف کند و یا فوت شود، اعاده خواهد شد. به این ترتیب، اصل بر امکان انصراف کاندیدان مطابق تقویم انتخاباتی است و با توجه به حکم عام مندرج در قانون انتخابات کاندیدان ریاست جمهوری نیز می‌توانند پیش از دور اول انتخابات انصراف دهند، اما وضعیت کاندیدان دور دوم انتخاب ریاست جمهوری افغانستان متفاوت است. ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان مقرر می‌دارد: در دور دوم انتخابات تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده‌اند، شرکت می‌نمایند. مطابق فقره ۲ ماده ۲۰ قانون انتخابات افغانستان، "هرگاه در دوره اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم ... برگزار می‌گردد و در این دور، تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده‌اند مکلفند شرکت نمایند". با توجه به تکلیف مصرح در قانون انتخابات که مستنبط از ماده ۶۱ قانون اساسی است، امکان انصراف کاندیدان ریاست جمهوری در دور دوم انتخاب ریاست جمهوری افغانستان وجود ندارد تا تجربه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال ۱۳۸۸ که به کناره‌گیری آقای عبدالله عبدالله از رقابت دور دوم منجر شده بود، تکرار نشود.

بند ب. حالت فوت کاندیدان

فوت یکی از کاندیدان در جریان دور اول یا دور دوم انتخابات ریاست-جمهوری از وقایعی است که می‌تواند حیات سیاسی را با چالش مواجه کند و لذا توجه قانون‌گذاران اساسی فرانسه، ایران و افغانستان را جلب کرده است. بندهای ۶ تا ۹ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد:

"اگر در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای تحویل معرفی نامه‌های کاندیداتوری یکی از اشخاصی که حداقل سی روز قبل از این تاریخ تصمیم خویش بر کاندیداتوری را علناً اعلام کرده است، فوت نماید یا در مانعیت قرار گیرد، شورای قانون اساسی می‌تواند تعویق انتخاب را تصمیم‌گیری کند. اگر پیش از دور اول یکی از کاندیدان فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد، شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌کند. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حائز بیشترین آراء در دور اول پیش از کناره‌گیری احتمالی، شورای قانون اساسی اعلام می‌کند که باید از نو تمام عملیات انتخاباتی انجام شود. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حاضر در دور دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. در تمام موارد، بر اساس شرایط مقرر در بند ۲ ماده ۶۱ ذیل یا بر اساس شرایط معین در قانون ارگانیک پیش‌بینی شده در ماده ۶ بالا برای معرفی کردن داوطلب، شورای قانون اساسی مورد مراجعه قرار می‌گیرد".

بنابراین، در صورت فوت یا مانعیت یکی از داوطلبانی که علناً داوطلبی خویش را اعلام کرده است در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای ثبت نام کاندیدان، تشخیص ضرورت یا عدم ضرورت تعویق انتخابات با توجه به مقبولیت اجتماعی داوطلب متوفی یا دارای مانع، به ارزیابی آزاد شورای قانون اساسی واگذار شده است. با اعلام تعویق انتخاب توسط شورای قانون اساسی، فرصت مناسب در اختیار طرفداران و تشکل‌های سیاسی حامی کاندیدای متوفی یا دارای مانع قرار می‌گیرد تا داوطلب جدیدی را با جمع‌آوری امضاء معرفی کنند. در صورت فوت یا مانعیت یکی از داوطلبان پس از پایان مهلت ثبت نام و پیش از مرحله اول رأی‌گیری، شورای قانون اساسی باید تعویق انتخاب را اعلام نماید، اما قانون‌گذار اساسی بیان نمی‌کند که آیا در این حالت باید مجموع عملیات انتخاباتی از جمله ثبت نام داوطلبان را از نو برگزار (تجدید) کرد یا صرفاً تاریخ برگزاری رأی‌گیری به تأخیر می‌افتد.^{۲۱} امکان نمایندگی گرایش سیاسی کاندیدای متوفی یا دارای مانع، در صورت فوت یا مانعیت کاندیدان دور دوم (بین دورهای اول و دوم رأی‌گیری)، به دلیل تجدید تمام عملیات انتخاباتی از نو وجود دارد.

21. Dominique Rousseau, *Droit du contentieux constitutionnel*, Paris, Montchrestien, 6e édition, 2001, p. 369.

شورای قانون اساسی در تمام موارد بر اساس شرایط مذکور در بند ۲ ماده ۶۱ قانون اساسی یعنی توسط رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی، رئیس سنا، شصت نماینده مجلس ملی یا شصت سناتور و یا بر اساس شرایط معین در قانون ارگانیک پیش‌بینی شده در ماده ۶ قانون اساسی یعنی توسط اشخاص صلاحیت‌دار برای معرفی کاندیدان (حداقل پانصد منتخب) مورد مراجعه قرار می‌گیرد. مراجعه به شورای قانون اساسی برای دخالت و تصمیم‌گیری او لازم است.^{۲۲} ظاهراً هدف قانون‌گذار اساسی این است که از تکروری یا سهل‌انگاری احتمالی شورای قانون اساسی در صورت فوت یا مانعیت کاندیدان ریاست جمهوری جلوگیری کند.^{۲۳} اصل ۱۲۰ قانون اساسی ایران در مورد فوت کاندیدان ریاست جمهوری مقرر می‌دارد: "هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود." تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات در اثر فوت یکی از کاندیدان از دو جنبه قابل بررسی است: یکی ادای احترام و حفظ حرمت شخصیت فقیدی که می‌توانست با صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و مدیریتی خویش برای جامعه مفید باشد و دیگر اینکه انتخابات سالم، مستلزم جوّی به دور از حواشی رخدادهای اجتماعی است و چه بسا فوت یکی از کاندیدان ریاست جمهوری، جریان احساسی موقتی را در سراسر جامعه به وجود بیاورد که بر انتخابات نیز تأثیر بگذارد.^{۲۴} قانون‌گذار اساسی ایران، تأخیر یا تمدید دو هفته‌ای انتخابات را صرفاً برای حالت‌هایی پیش‌بینی می‌کند که یکی از کاندیدان احراز صلاحیت شده در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یا یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست در فاصله دور نخست و دور دوم انتخابات فوت نمایند. فوت یکی از داوطلبان پس از مهلت ثبت‌نام و پیش از احراز صلاحیت یا پس از احراز صلاحیت اما پیش از ده روز به رأی‌گیری یا مواجه

22. Pierre Pactet, *Institutions politiques Droit constitutionnel*, Paris, Armand Colin, 21e édition, 2002, p. 401.

۲۳. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه"، همان، ص. ۴۴۷.

۲۴. امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، مجد، تهران، ۱۳۸۳، ص. ۲۳.

شدن داوطلبان با مانع و نه فوت، از اسباب تمديد يا تأخير انتخابات رياست جمهوری ايران نيستند. تحرير نامناسب ذيل اصل ۱۲۰ قانون اساسی به گونه ای است که حکم قانون گذار اساسی در خصوص فوت يك يا هر دو داوطلب حاضر دور دوم، در صورت انصراف يك يا هر دو نفر حائز اكثريت دور نخست شفاف نيست. بعلاوه، در صورت فوت یکی از داوطلبان رياست جمهوری ايران، انتخابات صرفاً برای دو هفته به تأخير می افتد يا تمديد می شود، بدون اينکه مجموع عمليات انتخاباتی تجديد و امکان ورود داوطلبان جديد فراهم گردد.^{۲۵} لذا در صورت فوت يا مانعيت داوطلبان دارای اقبال بالای انتخاب شدن، حاميان وی می توانند صرفاً به انتخاب از میان داوطلبان باقیمانده بپردازند که اين امر قابل توجیه نيست.

ذيل ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان در مورد فوت کاندیدان رياست جمهوری مقرر می دارد: "هرگاه یکی از کاندیدان رياست جمهوری در جريان دور اول يا دوم رأی گیری و يا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتايج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد". قانون گذار اساسی افغانستان، برگزاری انتخابات مجدد را مطابق به احکام قانون دانسته است و در واقع تعیین جزئیات مسئله از قبيل مفهوم، کیفیت و زمان برگزاری انتخابات مجدد را به قانون گذاری عادی واگذار کرده است. حکم قانون اساسی از منظر مقنن عادی در قانون انتخابات افغانستان تکمیل و تشریح شده که اين اقدام قانون گذار عادی به بروز ایرادات جدی منجر شده است. قانون گذار اساسی افغانستان، همانند قانون گذار اساسی ايران و برخلاف قانون گذار اساسی فرانسه، به حالت مانعيت کاندیدان در اثر عواملی مانند بیماری صعب العلاج، ربایش يا مفقودی آنها اشاره نمی کند و لذا مواجه شدن یکی از کاندیدان رياست جمهوری با مانع، در جريان مبارزات تأثیری بر جريان انتخابات ندارد و صرفاً در قانون اساسی درباره وفات کاندیدان حکم مقرر شده است. بعلاوه، قانون اساسی افغانستان در مورد تأثیر فوت یکی از کاندیدان در جريان دور اول يا در جريان دور دوم انتخاب رياست جمهوری، تفاوت قائل نشده و صرفاً به برگزاری انتخابات مجدد حکم کرده است. برگزاری انتخابات مجدد، دارای اين مزيت است که می تواند به معنای برگزاری از ابتدای تمام

عملیات انتخاباتی باشد و امکان ورود کاندیدان جدید را به عرصه رقابت و نمایندگی جریان سیاسی کاندیدای متوفی فراهم کند. اما قانون انتخابات افغانستان با تعیین برگزاری انتخابات مجدد از میان کاندیدان باقیمانده، این تدبیر قانون‌گذار اساسی را بی‌اثر کرده است. مطابق فقره ۵ ماده ۲۰ قانون انتخابات افغانستان، "هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی‌گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد میان کاندیدان باقیمانده، حداکثر در خلال مدت ۳۰ روز مطابق احکام این قانون برگزار می‌گردد". با نظر به حکم قانون انتخابات، انتخابات مجدد به معنای برگزاری عملیات انتخاباتی از ابتدا ممکن نیست، زیرا انتخابات مجدد میان کاندیدان باقیمانده برگزار می‌شود. مطابق قانون انتخابات افغانستان، حتی اگر کاندیدای متوفی حائز اکثریت آراء باشد، انتخابات با حضور کاندیدان باقیمانده برگزار می‌گردد و رأی‌دهندگان و گروه‌های سیاسی طرفدار کاندیدای متوفی نمی‌توانند کاندیدای جدید معرفی کنند. حکم به برگزاری انتخابات مجدد مطابق قانون اساسی یا برگزاری انتخابات مجدد از میان کاندیدان باقیمانده مطابق قانون انتخابات، در صورت وفات یکی از کاندیدان بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج، از منظری دیگر نیز فاقد وجهت کافی است، زیرا ممکن است کاندیدای حائز اکثریت مطلق آراء در قید حیات بوده و یا کاندیدای متوفی درصد پایینی از آراء رأی‌دهندگان را کسب کرده باشد. با حکم کنونی قانون انتخابات افغانستان، در صورت فوت کاندیدای حائز اقلیت آراء و حیات کاندیدای حائز اکثریت آراء رأی‌دهندگان دور دوم، باید بعد از برگزاری انتخابات و قبل از اعلام نتایج بین کاندیدای حائز اکثریت آراء و سایر کاندیدان باقیمانده انتخابات مجدد برگزار گردد که این موضوع نمی‌تواند قابل توجیه باشد.

این ایراد نیز به قانون‌گذار اساسی افغانستان وارد است که به جای انتخابات مجدد، از تجدید انتخابات یا برگزاری عملیات انتخاباتی از ابتدا سخن نگفته است تا هیچ گونه ابهامی در این مورد باقی نماند. در صورت فوت یکی از کاندیدان در جریان دور اول رأی‌گیری، نمی‌توان از لزوم برگزاری انتخابات مجدد سخت گفت؛ مگر اینکه منظور قانون‌گذار اساسی از دور اول رأی‌گیری به روز رأی‌گیری محدود گردد. در صورت پذیرش برداشت اخیر، این

ایراد به قانون‌گذار اساسی افغانستان وارد خواهد شد که درباره فوت یکی از کاندیدان قبل از روز رأی‌گیری دور اول هیچ حکمی مقرر ننموده است. قانون‌گذار انتخاباتی افغانستان می‌توانست برگزاری انتخابات مجدد را به معنای تجدید عملیات انتخاباتی از ابتدا تفسیر کند و بر اساس آن، قانون انتخابات را تدوین نماید. در صورت اخیر، بسیاری از ایرادات موجود به قانون انتخابات راه نمی‌یافت.

۶. طول و تجدید دوره ریاست جمهوری

مسئله طول و تجدید یا توالی دوره ریاست جمهوری با نقشی که رئیس جمهور در حیات سیاسی ایفا می‌کند، مرتبط است. ابتدا طول دوره ریاست جمهوری (بند الف) و سپس تجدید آن (بند ب) بررسی می‌شوند.

بند الف. طول دوره ریاست جمهوری

هرچند که در باب طول دوره ریاست جمهوری و شمار تجدید انتخاب میان نظریه پردازان حقوق اساسی توافق قطعی کامل وجود ندارد، امروزه محدودیت دوره ریاست جمهوری، اصلی پذیرفته شده در دموکراسی نوین است.^{۲۶} "ریاست جمهوری مادام‌العمری مغایر با روح دموکراسی است"^{۲۷}، اما درباره کوتاه یا طولانی بودن دوره ریاست جمهوری بین صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد. تعیین وظایف تأمین استمرار حکومت و مراقبت بر سرنوشت ملت برای رئیس جمهور در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، به پذیرش دوره طولانی هفت ساله ریاست جمهوری مانند قوانین اساسی جمهوری‌های سوم و چهارم منجر شد. ایفای نقش داوری (arbitrage) و محرومیت رئیس جمهور از دخالت فعال در حیات سیاسی، طولانی بودن دوره ریاست جمهوری را توجیه می‌کرد اما دوره هفت ساله ریاست جمهوری نمی‌توانست با افزایش اقتدار متصدی این مقام سازگار باشد. دوره هفت ساله ریاست جمهوری از زمانی مورد انتقاد قرار گرفت که رئیس جمهور به عنوان رئیس واقعی قوه مجریه مطرح گردید.^{۲۸} با

۲۶. سید ابوالفضل قاضی، همان، ص. ۵۶۶.

۲۷. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۰، ص. ۹۵.

28. Bernard Chantebout, Droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, 20e édition, 2003, p. 437.

تعدیل قانون اساسی از طریق همه‌پرسی مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰، دوره ریاست جمهوری فرانسه از هفت سال به پنج سال کاهش یافت. برخلاف تحولات قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه، تعیین طول دوره رئیس جمهوری ایران به دلیل جایگاه رئیس جمهوری در قانون اساسی با چالش خاصی همراه نبوده است. مطابق اصل ۱۱۴ قانون اساسی ایران، دوره ریاست جمهوری چهارساله است که مطابق ماده ۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری از زمان تنفیذ حکم رئیس جمهور منتخب مردم توسط مقام رهبری یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور آغاز می‌شود.

ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان مقرر می‌دارد: "وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می‌یابد". تعیین تاریخ ثابت به منظور اعلام زمان پایان دوره ریاست جمهوری، بدون توجه به تاریخ شروع دوره نمایندگی رئیس جمهور که به دلایل مختلف می‌تواند تغییر یابد، از قانون اساسی ایالات متحده آمریکا الهام گرفته شده است. لذا برخلاف رویه و برداشت بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان سیاسی افغانستان که دوره ریاست جمهوری را پنج‌ساله و یا حتی بیش از پنج سال می‌دانند، دوره ریاست جمهوری افغانستان با توجه به تاریخ شروع دوره ریاست جمهوری بین چهار تا پنج سال متغیر است. صرفاً در صورتی که رئیس جمهوری افغانستان دوره ریاست جمهوری خویش را از دوم جوزا آغاز نماید، دوره پنج ساله ریاست جمهوری او در اول جوزای سال پنجم به پایان می‌رسد؛ فرضی که تا کنون تحقق نیافته است. با نظر به اینکه قانون‌گذار اساسی افغانستان با تصریح به زمان پایان دوره ریاست جمهوری عملاً تاریخ شروع دوره ریاست جمهوری جدید را تعیین کرده است، حکم فقره ۶ ماده ۲۰ قانون انتخابات افغانستان مبنی بر شروع دوره ریاست جمهوری منتخب سی روز بعد از اعلام نتایج و با به دست آوردن وثیقه از جانب کمیسیون مستقل انتخابات، می‌تواند به رویه‌های مغایر با قانون اساسی منجر شود.

اما در دو دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳، علی‌رغم حکم قانون اساسی مبنی بر اتمام دوره ریاست جمهوری در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات، و با وجود اتمام دوره ریاست جمهوری، رئیس جمهور جدید

رسماً تعیین نشد. مسئله این است که در متن قانون اساسی افغانستان تکلیف تصدی سمت ریاست جمهوری در صورت پایان دوره ریاست جمهوری و عدم انتخاب رئیس جمهور جدید، مشخص نیست. قوانین اساسی ایران و فرانسه در این مورد مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. تکلیف تصدی وظایف رئیس جمهور در صورت پایان دوره ریاست جمهوری و عدم انتخاب رئیس جمهور جدید به شرح ذیل در اصل ۱۳۱ قانون اساسی ایران تعیین شده است: "در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد..." قانون‌گذار اساسی ایران می‌خواهد زمینه تعلل در انجام انتخاب و تعیین رئیس جمهور بعدی را از رئیس جمهور کنونی سلب نماید، زیرا حتی اگر رئیس جمهور جدید انتخاب نگردد، رئیس جمهور قبلی نمی‌تواند به انجام وظیفه بپردازد، بلکه کفیل ریاست جمهوری به انتخاب رهبری وظایف این مقام را انجام می‌دهد.^{۲۹}

مطابق بند ۱۰ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه، انتخاب رئیس جمهور جدید باید ظرف مدت بیست تا سی و پنج روز پیش از پایان دوره ریاست جمهوری کنونی صورت گیرد و شورای قانون اساسی می‌تواند انجام رأی‌گیری را در صورت لزوم حداکثر تا سی و پنج روز از تاریخ اخذ تصمیم خویش به تعویق بیندازد. تعویق انتخاب ریاست جمهوری فرانسه در حالت قوه قاهره نیز به تشخیص شورای قانون اساسی ممکن است. اگر اجرای مقررات این بند، به تعویق انجام انتخاب به تاریخی پس از پایان اختیارات رئیس جمهور در حال فعالیت منجر شود، وی تا اعلام جانشین خود در خدمت می‌ماند. به عبارت دیگر، پایان دوره ریاست جمهوری از عوامل تحقق کفالت رئیس جمهور است، زیرا از مصادیق غیاب رئیس جمهوری و بلا تصدی شدن سمت در فرانسه محسوب می‌شود؛ اما در صورتی که پایان دوره ریاست جمهوری به دلیل تعویق زمان برگزاری انتخابات توسط شورای قانون اساسی باشد، رئیس جمهور در حال فعالیت تا زمان انتخاب جانشین خود می‌تواند به انجام وظایف ریاست جمهوری ادامه

۲۹. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، همان، ص. ۵۳.

دهد.^{۳۰} رویه اتخاذی در حیات سیاسی افغانستان، در عمل مشابه تدبیری است که در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه تعیین شده است.

در قانون اساسی افغانستان، پایان دوره ریاست جمهوری از عوامل تحقق کفالت رئیس جمهور محسوب نشده است، مگر اینکه کلمه "غیاب" در ماده ۶۰ قانون اساسی افغانستان به معنای فرانسوی آن لحاظ گردد. قرائنی در قانون اساسی افغانستان وجود دارد که تأیید می کند غیاب در قانون اساسی افغانستان به معنای "vacancy" یا "vacance" در قانون اساسی فرانسه نیست، زیرا مطابق ماده ۶۰ قانون اساسی افغانستان، حالات استعفاء و وفات رئیس جمهور در کنار غیاب وی ذکر شده اند و حال آنکه غیاب در حقوق فرانسه به معنای بلاتصدی و خالی شدن سمت در اثر عواملی مانند استعفاء، عزل، وفات یا پایان دوره است. بعلاوه، مطابق ذیل ماده ۶۷ قانون اساسی افغانستان، "در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد". همچنین، قانون گذار اساسی افغان در ماده ۶۷ قانون اساسی در مقام شمارش حالاتی که باید در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید برگزار شود، به حالت غیاب رئیس جمهور اشاره نمی کند اما حالات استعفاء، عزل، وفات یا مریضی صعب العلاج را ذکر کرده است. نکته تکمیلی آنکه دوره معاونین رئیس جمهور نیز هم زمان با پایان دوره رئیس جمهور افغانستان پایان می یابد. صرفاً در صورت وفات هم زمان رئیس جمهور و معاون اول وی، مطابق ذیل ماده ۶۸ قانون اساسی به ترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه، کفالت رئیس جمهور را به عهده می گیرند. به همین دلیل است که ستره محکمه افغانستان در نظریه مورخ ۱۳۸۸/۱/۸ که به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۸۸ در جریده میزان منتشر شده است، ادامه کار رئیس جمهور و معاونین او را تا زمان تعیین رئیس جمهور جدید به نفع مردم و نظام و مطابق با روح و تحلیل قانون اساسی دانسته و نظر قانونی و مثبت خود را با تأیید حمایت از آن ابراز نموده است. کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی افغانستان نیز در مقام پاسخ به مکتوب شماره ۱۱۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۲ ریاست عمومی اداره دارالانشاء شورای

۳۰. جواد تقی زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه"، همان، صص. ۴۴۸-۴۴۹.

وزیران بر حسب هدایت رئیس جمهور تحت شرایطی نظر مثبت خویش را در مورد دوام کار رئیس جمهور تا اعلام نتیجه نهایی انتخابات اعلام کرده است.

بند ب. تجدید دوره ریاست جمهوری

در متن مصوب سال ۱۹۵۸ قانون اساسی جمهوری پنجم، با ابتنا بر نظریه حاکمیت رأی و با نظر داشت نقش نسبتاً غیر فعالی که رئیس جمهور فرانسه می‌بایست ایفا نماید، هیچ محدودیتی برای بازانتخاب‌پذیری متوالی یا غیر متوالی رئیس جمهور تعیین نشده بود. به دلیل عدم تعیین محدودیت برای تجدید انتخاب، رؤسای جمهور در حال فعالیت می‌توانستند در رقابت انتخاباتی بعدی به صورت متوالی یا غیر متوالی داوطلب گردند اما تعدیل قانون اساسی در سال ۲۰۰۸، به تعیین محدودیت در قانون اساسی منجر گردید. مطابق بند ۲ ماده ۶ قانون اساسی فرانسه که در تاریخ ۲۳ جولای ۲۰۰۸ به تصویب کنگره رسید: "هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از دو نمایندگی متوالی را انجام دهد". اصل ۱۱۴ قانون اساسی ایران نیز مقرر می‌دارد: "رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است". دوره چهارساله ریاست جمهوری به آسانی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید، اما بازانتخاب‌پذیری رئیس جمهور یکی از موضوعات بحث‌برانگیز مجلس مذکور گردید.^{۳۱} به هدف پرهیز از پیدایش روحیه تحکم^{۳۲} و ایجاد زمینه تمرکز قدرت و احیاناً استبداد در اداره امور کشور^{۳۳}، قانون‌گذار اساسی، انتخاب مجدد رئیس جمهور را به صورت متوالی تنها برای یک دوره دیگر پذیرفت.

قانون‌گذار اساسی افغانستان با الهام از الحاقیه مصوب ۱۹۵۱ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، انتخاب بیش از دو دوره را به ریاست جمهوری، اعم از متوالی یا غیر متوالی، ممنوع کرده است. مطابق ماده ۶۲ قانون اساسی افغانستان، "هیچ شخص نمی‌تواند بیش از دو دوره به

۳۱. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، همان، صص. ۴۱ - ۴۲.

۳۲. محمد یزدی، قانون اساسی برای همه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، صص. ۵۷۹ - ۵۸۰.

۳۳. مرتضی نجفی اسفاد و فرید محسنی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، الهدی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص. ۲۸۹.

حیث رئیس جمهور انتخاب گردد". این مقررہ با احکام مندرج در قوانین اساسی فرانسه، ایران و یا روسیه متفاوت است، زیرا در فرانسه تجدید انتخاب غیر متوالی رئیس جمهور محدودیتی ندارد اما انتخاب شدن به طور متوالی برای دو دورہ، وی را برای همیشه از حق کاندیداتوری به ریاست جمهوری محروم می کند. در ایران و روسیه، انتخاب مجدد به صورت متوالی صرفاً برای یک بار ممکن است اما پس از یک دورہ فاصلہ، امکان کاندیداتوری مجدد برای رئیس جمهور سابق فراهم می گردد. کاندیداتوری آقای اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور سابق ایران، در انتخابات ریاست جمهوری سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲، و انتخاب مجدد آقای ولادیمیر پوتین به ریاست جمهوری روسیه برای بار سوم پس از یک دورہ فاصلہ به واسطه ریاست جمهوری آقای مدودف، این برداشت را تأیید می کند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، ممنوعیت انتخاب بیش از دو دورہ به ریاست جمهوری افغانستان، متأثر از جایگاه رسمی و قانونی رئیس جمهور است. وظایف و صلاحیت های مهم رئیس جمهور افغانستان و در نتیجه نقش آفرینی فعال وی در حیات سیاسی ملی و بین المللی، محدودیت تجدید و توالی دورہ ریاست جمهوری را ایجاب می کند تا زمینه برای ایجاد استبداد فراهم نشود.

۷. اداره و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری

یکی از مسائل حائز اهمیت در امر انتخابات، تعیین نهادهای برگزاری و نظارت بر انتخابات است. نهادهای برگزاری و نظارت بر انتخابات، باید از ابزارهای لازم به منظور برگزاری و نظارت مناسب بر انتخابات برخوردار باشند و حتی الامکان از نتایج انتخابات ذی نفع نباشند تا این وظایف را در نهایت دقت، سلامت و بی طرفی انجام دهند. برگزاری انتخابات در ایران، بر عهده وزارت داخله و در فرانسه بر عهده نهادهای محلی است. نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری در ایران، بر عهده شورای نگهبان و در فرانسه، بر عهده شورای قانون اساسی است. قانون گذار اساسی افغانستان، وظیفه اداره و نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را بر عهده کمیسیون مستقل انتخابات قرار داده است. مطابق ماده ۱۵۶ قانون اساسی افغانستان، اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آراء عمومی مردم در کشور به عهده کمیسیون

مستقل انتخابات است که مطابق احکام قانون تشکیل می‌گردد. برگزاری انتخابات توسط نهادهای مستقل می‌تواند اعتماد عمومی به نتایج حاصله را بیشتر نماید و زمینه تأثیرگذاری جریان‌های سیاسی ملی یا محلی حاکم را بر انتخابات کاهش دهد. تعیین مرجعی مستقل از حکومت و سایر قوا به منظور اداره و نظارت بر انتخابات، اقدام شایسته‌ای است، اما تعیین مرجعی واحد در قانون اساسی افغانستان به منظور تصدی دو وظیفه متمایز یعنی اداره انتخابات و نظارت بر آن قابل ایراد است، زیرا نظارت بر انتخابات، هدف جلوگیری از تخلفات و تقلبات احتمالی برگزارکنندگان انتخابات و رسیدگی و پیگیری شکایات از آنها را دنبال می‌کند.

دولت‌ها، سیستم‌های مختلفی را جهت پیشگیری و مراقبت و نیز پیگیری و رسیدگی به شکایات انتخاباتی برگزیده‌اند. وظیفه مراقبت بر جریان انتخابات، از وظیفه رسیدگی به شکایات انتخاباتی متمایز است و لذا ممکن است هر دو وظیفه نظارتی برعهده مرجعی واحد نهاده شود، همانند نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و فرانسه؛ و یا برعهده مراجع متعددی قرار داده شود، همانند نظارت بر انتخابات پارلمانی در فرانسه که مرحله مراقبت برعهده کمیسیون‌های ملی، و مرحله رسیدگی به شکایات انتخاباتی برعهده شورای قانون اساسی است. نقش نظارتی شورا بر انتخاب ریاست‌جمهوری، بسیار گسترده‌تر از نقش وی در نظارت بر انتخابات پارلمانی فرانسه است.^{۳۴} مطابق ماده ۵۸ قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی بر سلامت انتخاب رئیس‌جمهور مراقبت، به شکایات رسیدگی و نتیجه نهایی را اعلام می‌کند. اعلام نتایج نهایی انتخاب ریاست‌جمهوری توسط شورای قانون اساسی دارای ویژگی قطعی است که بر همه تحمیل می‌گردد.^{۳۵} به عبارت دیگر، تصمیم شورای قانون اساسی دارای اعتبار امر قضاوت‌شده و مختومه است. تصمیم‌گیری‌های شورای نگهبان نیز در مقام نظارت بر انتخاب ریاست‌جمهوری ایران، نهایی است. نظارت کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، مراقبت و جلوگیری از بروز تخلفات، رسیدگی به شکایات و

۳۴. جواد تقی‌زاده، "انتخاب ریاست‌جمهوری در قانون اساسی فرانسه"، همان، ص. ۴۵۱.

35. Dominique Rousseau, op. cit, p. 373.

اعلام نتایج نهایی انتخابات را شامل می‌شود. البته قانون اساسی افغانستان، همانند قانون اساسی ایران^{۳۶}، به دلیل استفاده از کلمه "نظارت" و مفاهیم متفاوت این کلمه ابهام دارد، اما قانون اساسی فرانسه دارای صراحت کافی است.

کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان به منظور انجام وظایف نظارتی خویش بر انتخابات، از معاضدت کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی بهره می‌گیرد^{۳۷} و حال آنکه در وجاهت اساسی کمیسیون شکایات انتخاباتی تردید است. برخی از صاحب‌نظران و فعالان سیاسی افغان معتقدند رسیدگی به شکایات انتخاباتی، در نهایت باید همانند هندوستان در قالب اعتراض به فیصله‌های کمیسیون‌های مستقل انتخاباتی و در حدود صلاحیت قوه قضائیه باشد. شایسته است که قانون‌گذار اساسی افغانستان به بیان کلمات مبهم و کلی "اداره" و "نظارت" بر انتخابات اکتفا نکند، بلکه برخی جزئیات مربوط به وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های متصدی تدویر و نظارت بر انتخابات را تعیین نماید. مثلاً همانند قانون اساسی فرانسه، در قانون اساسی افغانستان تصریح شود که کمیسیون متصدی نظارت بر انتخابات بر سلامت انتخاب ریاست جمهوری مراقبت، به شکایات رسیدگی و نتایج نهایی را اعلام می‌کند. بعلاوه، پیشنهاد می‌گردد در مقام تعدیل قانون اساسی، وظیفه اداره و برگزاری انتخابات به کمیسیون مستقل اداره و برگزاری انتخابات، و وظیفه نظارت و رسیدگی به شکایات انتخاباتی به کمیسیون مستقل نظارت، و رسیدگی به شکایات انتخاباتی واگذار گردد. از این طریق، هم وجاهت قانون اساسی متصدیان رسیدگی به شکایات انتخاباتی تصریح و تأمین می‌شود، و هم ایراد واگذاری دو وظیفه متمایز یعنی اداره انتخابات و نظارت بر آن به مرجعی واحد در قانون اساسی مرتفع می‌گردد.

۸. نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری به ذکر چند نکته تکمیلی اکتفا می‌شود:

۳۶. اصل ۹۹ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد".

۳۷. نك: قانون تشكیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی مصوب ۱۳۹۲.

۱. برای کاندیدان در انتخاب ریاست جمهوری افغانستان، شرط دانش یا سواد تعیین نشده است. به نظر می‌رسد که

عدم پیش‌بینی شرط سواد برای کاندیدان در انتخاب ریاست جمهوری، ناشی از عدم تعیین آن توسط قانون‌گذار اساسی در ماده ۶۲ قانون اساسی در مقام احصاء شرایط کاندیدان است. مؤید این مطلب، تعیین شرط سواد برای کاندیدان در انتخابات محلی افغانستان توسط مقنن عادی است. در قانون انتخابات افغانستان برای شاروال و اعضای مجالس شاروالی و شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه، شرط سواد با درجات متفاوت تعیین شده است. قانون‌گذار انتخاباتی افغانستان حتی به تفاوت‌های بین نمایندگی‌های محلی جهت تعیین شرط دانش توجه دارد به نحوی که برای نمایندگی‌های با اهمیت‌تر، توقع بیشتری از سواد را شرط دانسته است. تردیدی نیست که کاندیدان تصدی سمت ریاست جمهوری باید دارای قابلیت‌های علمی و سواد بیشتری باشند تا به نحو شایسته وظایف و صلاحیت‌های ریاست جمهوری را انجام دهند. شرط دانش برای انتخاب‌پذیری اصولاً در نظام‌هایی پیش‌بینی می‌شود که مسئله سوادآموزی و درصد بالای بی‌سوادان از چالش‌های اجتماعی آنهاست. دموکراسی‌های غربی، امروزه با این چالش مواجه نیستند و لذا برای انتخاب‌شوندگان، شرط سواد را تعیین نمی‌کنند. در کشورهایی مانند ایران و افغانستان که مسئله بی‌سوادی معضلی جدی است، شرط سواد یا درجه‌ای از تحصیل علم به منظور تصدی سمت‌های ناشی از انتخابات می‌تواند قابل توجیه باشد. علی‌رغم مأموریت ملی رئیس‌جمهور، تعیین شرط تعلق محلی یا سکونت برای کاندیدان ریاست جمهوری نیز در مواردی قابل توجیه است. مطابق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، حداقل چهارده سال سکونت در ایالات متحده به منظور انتخاب‌پذیری در انتخاب ریاست جمهوری لازم است. شرط سکونت چندساله در قلمرو سرزمینی افغانستان برای انتخاب‌پذیری به ریاست جمهوری افغانستان که با پدیده مهاجرت گسترده اتباع خویش مواجه است، قابل پیشنهاد است.

۲. اساسی‌سازی حقوق انتخابات ریاست جمهوری که در افغانستان با اختصاص چند ماده از قانون اساسی به حوزه‌های مختلف مرتبط با انتخاب ریاست جمهوری، تسهیل شده و

با هدایت‌های ستره‌محکمه افغانستان تقویت گردیده است، می‌تواند قواعد حقوقی حاکم بر انتخابات ریاست جمهوری را از تعرضات غیر منطقی واضعان قوانین عادی و مقررات اجرایی مصون نگه دارد. با وجود این، نظام صیانت از قانون اساسی افغانستان دارای کاستی‌های بسیار است، زیرا از یک سو، قوانین مصوب شورای ملی یا فرامین تقنینی مصوب حکومت، مگر از طریق محاکم یا حکومت، قابل ارجاع نزد ستره‌محکمه نیستند، و از دیگر سو، مقررات مصوب حکومت و طرز‌العمل‌ها و لوایح مصوب کمیسیون‌های مستقل انتخابات عملاً از صلاحیت نظارتی ستره‌محکمه خارج‌اند. بعلاوه، ستره‌محکمه افغانستان به دلیل عدم صراحت قانون اساسی و فرهنگ سیاسی حاکم بر افغانستان، فاقد اقتدار مسلم است، زیرا هم اثر تصمیم‌گیری‌های این نهاد در حوزه صیانت از قانون اساسی معلوم نیست و هم با رقابت کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مواجه است. به همین دلیل بسیاری از مفاد قوانین و مقررات حاکم بر انتخابات افغانستان علی‌رغم مغایرت با قانون اساسی، در نظم حقوقی باقی می‌مانند و تطبیق می‌شوند. شایسته است اکنون که سخن از تعدیل قانون اساسی افغانستان است، قانون‌گذار اساسی افغانستان علاوه بر رفع ابهامات و ایرادات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری در قانون اساسی، در جهت رفع ابهامات و ایرادات مربوط به نظام صیانت از قانون اساسی افغانستان نیز کوشش نماید.